

## An Investigation into Similar Verses in the Holy Qur'an: A Focus on Ayatollah Mesbah Yazdi's Viewpoints<sup>\*</sup>

Keyvan Khojastemehr<sup>\*\*</sup>  
Kamran Oveysi<sup>\*\*\*</sup>

### Abstract

The Holy Quran has unique merits and characteristics that distinguish it from other books. Utilizing and understanding the high teachings of this heavenly book, which has been revealed for the guidance of humanity, depends on a number of factors, each playing a major role in understanding this holy book. Among these factors is familiarity with its firm and similar verses, as the Quran divides its verses into these two categories in verse 7 of Surah Al-Imran. This division has been the subject of attention by interpreters and Quranic scholars throughout different eras. Understanding the reasons, goals, and aspects of this division plays an important role in depicting the path of belief and a correct understanding of the valuable content of this heavenly book. This research provides a descriptive and analytical approach based on the works of Ayatollah Mesbah Yazdi and Ibn Taymiyyah's views to investigate this issue. According to Ayatollah Mesbah Yazdi, the beginnings of surahs and verses having sublime meanings are examples of similar verses; he believes that their existence is due to their superior content, natural similarity, and incidental similarity. Ibn Taymiyyah also considers verses about attributes as similar verses and finds them meaningful in terms of their apparent meaning. He divides the approaches to dealing with religious language into three categories: those who ignore it (Ahle Tijhil), those who interpret it (Ahle Ta'wil), and those who imagine it (Ahle Takhyil).

**Keyword:** Firm Verses, Similar Verses, Verse 7 of Surah Al-Imran, Ayatollah Mesbah Yazdi, Ibn Taymiyyah

---

\* Received:2019-July-22 Accepted: 2023-March-14

\*\* Ph.D. student of Theoretical Foundations of Islam, Islamic Maaref University, Qom, Iran. (The Corresponding Author) Email: K.khojaste.69@gmail.com

\*\*\* Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences of Islamic Maaref University, Qom, Iran. Email: Oveysi@maaref.ac.ir



## پژوهشی در آیات متشابه قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی\*

کیوان خجسته‌مهر\*\*

کامران اویسی\*\*\*

### چکیده

قرآن کریم دارای امتیازات و اختصاصاتی است که آن را از دیگر کتب جدا می‌سازد. بهره‌گیری و دریافت معارف بلند این کتاب آسمانی که برای هدایت انسان‌ها نازل شده است در گرو مجموعه‌ای از امور است که هر کدام به گونه‌ای در فهم صحیح آن نقش دارد که از جمله این موارد آشنایی با محکم و متشابه است همانطور که قرآن کریم در آیه هفتم سوره آل‌عمران، آیاتش را به این دو دسته تقسیم می‌کند، که در طول ادوار مختلف مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان قرار گرفته است، فهمیدن دلایل، هدف و موارد این تقسیم، نقش مهمی در ترسیم مسیر اعتقادی و تصور درستی از محتوای ارزشمند این کتاب آسمانی خواهد داشت که پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی با استناد به آثار آیت‌الله مصباح یزدی و نگاهی به نظرات ابن تیمیه، تحقیقی در این زمینه در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد داد که طبق نظر آیت‌الله مصباح یزدی، فواتح سوره‌ها و آیات دارای معانی متعالی، مصداق آیات متشابه هستند و فلسفه وجود این آیات را تعالی محتوا، تشابه طبیعی و تشابه عارضی می‌داند و ابن تیمیه نیز آیات صفات را از متشابهات می‌خواند و ضمن معنادار دانستن متشابهات، آنها را به معنای ظاهری حمل می‌کند. وی رویکردهای مواجهه با زبان دین را به اهل تجهیل، اهل تأویل و اهل تخییل تقسیم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: محکم، متشابه، آیه هفتم سوره آل‌عمران، مصباح یزدی، ابن تیمیه

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

\*\* دانشجوی دکتری مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). ایمیل:

k.khojaste.69@gmail.com

Oveysi@maaref.ac.ir

\*\*\* استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. ایمیل:



## مقدمه

از زمان نزول قرآن مسلمانان به آیات قرآن کریم استناد می‌کردند، بعد از آغاز قرن دوم، در بین پیروان مذاهب کلامی مجادله و بحث شروع شد و تمسک کردن به ظاهر آیات قرآن برای تایید و تصدیق مذاهب مذکور، متداول شد و رواج یافت و هر مذهب و گروهی از جمله تشبیه‌گرایان و اشعری مسلکان به آیاتی که می‌پسندیدند، استناد می‌جستند. (معرفت، بی‌تا: ۲۳/۳-۲۴) و در صدد تطبیق آن با عقاید خود، به خصوص آیات متشابه که مقصود از آنها با برگرداندنشان به آیات محکم روشن می‌شود، مستمسک قرار داده‌اند و به تعبیر قرآن به دنبال فتنه‌انگیزی هستند: (هوالذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه...). (آل عمران/۷).

با توجه به این که قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی دارای رسالتی عام و هدایتی فراگیر برای عموم بشر بویژه مسلمانان است که خودش بارها از آسانی، میسر بودن، پندگیری، دعوت به تأمل و عمل و تعقل در آیاتش سخن به میان آورده است؛ بنابراین حوزه فهم این کتاب آسمانی دقت و تدبر در مدلول‌های آیات قرآن کریم است و از آنجا که قلمرو مطالب قرآن شامل: مبدا، معاد یا مقصدشناسی، راه و راهنماشناسی، غیب و شهود، صفات جمال و جلال الهی، هستی‌شناسی و جهان‌شناسی است، طیف گسترده‌ای از آیات را در بر می‌گیرد که در این بین به تعبیر خود قرآن در آیه ۷ سوره آل عمران، آیات قرآن را به محکم و متشابه تقسیم می‌کند و آیات متشابه را به عنوان فتنه و آزمایش برای کسانی که دارای انحراف هستند معرفی می‌کند. این تقسیم‌بندی از چنان اهمیتی برخوردار است که براساس آن فرقه‌ها و نحله‌های مختلفی از جمله مشبه، مجسه و ... بوجود آمده‌اند که می‌توان مکتب فکری و مذهبی افراد

مختلف که ذیل این آیات بحث کرده‌اند را از آرایشان فهمید بنابراین لازم به نظر می‌رسد که ضمن شناخت معنا و مفهوم آیات محکم و متشابه و مصادیق آنها، علت وجود آمدن این تشابه و همچنین فلسفه آیات متشابه و شیوه مواجهه با آنها را پی بگیریم این مقاله که پژوهشی درباره آیات متشابه از نظر آیت‌الله مصباح یزدی با مراجعه به آثار مکتوب ایشان و نگاهی به نظران ابن تیمیه عنوان مهمترین شخصیت وهابی و موسس فرقه وهابیت به عنوان یکی از فرقه‌های مطرح در جهان امروز و چگونگی فهم متشابهات به عنوان یکی از مسائل مهم در دانش‌های قرآنی و تفسیر بپردازیم و به برخی از شبهات مطرح شده در این زمینه پاسخ داده و نتیجه را در اختیار علاقه‌مندان به بحث‌های قرآنی قرار دهیم.

در زمینه پیشینه تحقیق باید گفت: مقالاتی در مورد آیات محکم و متشابه نوشته شده اما پژوهشی مستقل با آن چه که نگارنده در پی آن است یافت نشد، مقالات مزبور عبارتند از: معاشناسی محکم و متشابه در آیه هفتم آل‌عمران (مجید حیدری‌فر، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، سال هفتم، تابستان ۹۵، شماره ۲۶، صص ۱۳۷-۱۶۲) که همانطور که از نامش پیداست به شناسایی معنای محکم و متشابه پرداخته و شناسه آیات محکم را نص یا ظهور آن دانسته و آیات متشابه را در رساندن مقصود خداوند سبحان نارسا می‌داند. در حالیکه پژوهش حاضر از لحاظ موضوع عامتر و از حیث بحث گسترده‌تر است.

مقاله: بررسی انتقادی رویکرد ابن تیمیه در تفسیر آیات متشابه با رجوع به آرای علامه طباطبایی (علی‌اله بداشتی و کبری‌خان آبادی، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، سال ششم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۸۷-۲۰۷): این مقاله با بررسی روش تفسیری ابن تیمیه و علامه طباطبایی، شیوه ابن تیمیه را مأثور و شیوه علامه

طباطبایی را معقول می‌داند و روش این تیمه را نامطمئن و نامعقول می‌داند و روش علامه طباطبایی را می‌پذیرد که کاملاً با تحقیق حاضر متفاوت است. همچنین مقاله: تحلیل آراء معاصر در تبیین آیه محکم و متشابه (محمدرضا حاجی اسماعیلی، مهدی مطیع و زهره کیانی، معالعات قرآنی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۹۲، صص ۴۹-۷۴): در این مقاله دیدگاه‌های معاصر مختلف در تبیین آیات متشابه را بررسی کرده است و به بیان دیدگاه افرادی همچون؛ آیت‌الله مرفت و علامه طباطبایی پرداخته است و واضح است که با تحقیق حاضر از نظر موضوع و ماهیت متفاوت است. و مقاله بررسی متشابهات در قرآن و شبهات معناشناختی آن از منظر ابن تیمیه: (نشریه علمی اندیشه نوین دینی، سال ۱۵، تابستان ۹۸، شماره ۵۷، مقاله علمی پژوهشی، صص ۵۷-۷۰): که این مقاله به معناشناسی متشابه در آیه هفتم سوره آل‌عمران پرداخته و دلالت آن بر فهم ناپذیری یا راز آلودگی زبان قرآن، از منظر ابن تیمیه و تأثیرپذیرفتن وی از سلف از جمله ابن حنبل را بررسی کرده که از نظر موضوع، حیطة بحث و گستردگی با پژوهش حاضر متفاوت است.

مقاله روش‌شناسی تفسیر آیات متشابه در روایات رضوی: (علی نصیری، محمدحسین نصیری، حمید کریمی و محمدرضا ملکی دیزینی، فصلنامه علمی فرهنگ رضوی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۱۱-۱۳۴): در این مقاله با مراجعه به روایات امام رضا(ع) در زمینه آیات متشابه به این نتیجه رسیده است که امام رضا(ع) بر حساسیت تفسیر آیات متشابه و لزوم مراجعه به اهل بیت(ع) در این زمینه تأکید فرموده و در مرحله دوم امعان توجه به قراین داخلی آیات همچون سیاق و قراین بیرونی همچون براهین عقلی و رهنمون روایات صحیح را در بدست آوردن تفسیر صحیح از آیات متشابه کارآمد می‌داند. که با نوشته حاضر متفاوت می‌باشد.

مقاله: نگاهی به آیات محکمت و متشابهات؛ (روح‌الله ملکیان، پژوهش‌های قرآنی، سال نوزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲): این مقاله، مراد از آیات محکمت را آیاتی می‌داند که در نسخ متعدد کتاب الهی که به پیامبران فرورستاده دستخوش تغییر و تبدیل نشده و آیات متشابهات، آیاتی است که در بعضی نسخه‌های کتاب الهی در موضوعات یکسان ولی در بعضی از احکام متفاوت است. که به نوعی به تعریف آیات محکم و متشابه پرداخته و با پژوهش حاضر متفاوت است.

مقاله: بررسی دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر آیه هفتم آل‌عمران، (مرتضی ایروانی، محمدرضا کرمانی، مهدی جلالی، علی‌اصغر ناصحیان، دوفصلنامه علمی پژوهشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، سال دهم، شماره ۲، سال ۱۳۹۲): در این مقاله به نقد دیدگاه علامه طباطبایی در تعریف محکم و متشابه و نقد استیناف خواندن (و) در آیه از دیدگاه علامه پرداخته است که با بحث ما متفاوت است همچنین مقالات دیگری در این زمینه نوشته شده که به لحاظ جزئی بودن و بیگانه بودن بحث آنها با تحقیق پیش رو از آوردن و اشاره به آنها خودداری شده است.

مقاله حاضر در صدد است تا با در نظر گرفتن جوانب مسأله، نظرات قرآن پژوهان دیگر را البته با تأکید بر نظرات آیت‌الله مصباح یزدی دنبال کند و به برخی از شبهات مثل تعدد قرائات، مخالف بودن وجود آیات متشابه با هدف هدایت‌گری قرآن و دیدگاه‌های دیگر که با آیات متشابه مرتبط است را بیان و بررسی نماید.

### مفهوم‌شناسی واژگان مهم

واژگان و کلمات مهم در تحقیق حاضر؛ قرآن، آیات، محکم و متشابه است که از لحاظ لغوی و اصطلاحی به تعریف آنها می‌پردازیم:

پژوهشی در آیات متشابه قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی / کیوان خجسته‌مهر ۸۹

قرآن: در اصل مصدر است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۸۱/۳) به معنای قرائت (فیومی، ۱۳۹۷ق: ۵۰۲) و بیرو هم آمدن و خواندن است. (افراسیابی، ۱۳۷۳: ۱۳۴۰) برخی از لغت‌دانان اصل در این لفظ را جمع می‌دانند و می‌گویند قرآن را به این خاطر قرآن نامیده‌اند زیرا قصه‌ها را جمع‌آوری کرده است. (ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۳۰/۴) به نظر آیت‌الله مصباح یزدی قرآن به معنای خواندنی (ما من شأنه أن یقرأ). (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۱۶/۱)

در مورد معنای اصطلاحی قرآنی که در دست مسلمانان قرار دارد به این تعریف که برگرفته از آیات خود قرآن است اکتفا می‌کنیم: «قرآن کریم کتابی است فرو فرستاده از سوی پروردگار جهانیان، که یادآوری و پندی برای متقیان است. کتابی بلندقدر و پیروز (بر معارضان) که باطل را از هیچ سو بدان راه نیست، و خبری مهم و مفید در بر دارد. (رکنی یزدی، ۱۳۷۹: ۱۳۶)

همانطور که در این تعریف آمده به مبدا نزول، معجزه بودن و هدف نزول آن اشاره شده است.

آیات: ریشه آن (ای) است و مفردش آیه به معنای علامت و نشانه است و جمع آن آیات می‌باشد و بر آیه قرآن اطلاق می‌شود. (غیاثی کرمانی، ۱۳۸۹: ۳۳) راغب نیز آیات را جمع آیه می‌داند و در مورد معنای آن می‌گوید: «یعنی علامت ظاهر و آشکار» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۲۲۹/۱)، خلیل بن احمد آیه را نشانه و علامت و آیات را علامات معنا می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۰۸: ۴۴۲/۸)

در اصطلاح آیات بر مجموع اجزای قرآن اطلاق می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۰۳/۱) محکم: محکم در مقابل متشابه است. در کتاب مجمع‌البحرین در این مورد چنین آمده است: «محکم در لغت یعنی با ضابطه، استوار و متقن.» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۴/۶)

برخی نیز گفته‌اند: «محکم اگر صفت کلام و آیه قرآن قرار گیرد در مقابل متشابه است، پس در این صورت به معنای کلام و آیه‌ای است که معنای آن آشکار است و در آن شبهه‌ای راه ندارد» (غیائی کرمانی، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

راغب اصفهانی چنین می‌نویسد: آیات محکم آنهایی است که شبهه‌ای در آن ظاهر نیست و به نظر نمی‌رسد؛ چه از نظر لفظ و چه از نظر معنی. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۲۳/۱)

بعضی نیز می‌گویند: محکم به معنای آیه‌ای است که دارای یک معنای روشن و صریح بوده و هرگز معنای آن با معنای دیگری اشتباه نشود. (معرف، ۱۳۸۳: ۵۱)

به نظر آیت‌الله مصباح یزدی محکم به چیزی گویند که حالت بازدازدگی دارد و قابل نفوذ نیست و نزدیک به معنای متقن است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۱۴۹/۲)

متشابه: از ماده شبه، به معنای شبیه است. (فراهیدی، ۱۴۰۸: ۴۰۴/۳)، چیزیکه بعضی از آن به بعضی دیگر شبیه است. (همان و ابن منظور، بی‌تا: ۵۰۴/۱۳)

متشابه در اصطلاح آن چنان که راغب می‌گوید: به معنای آن چیزی است که ظاهرش از مرادش خبر نمی‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۰۱/۲)

صاحب تفسیر اطیب‌البیان متشابه را آن چیزی می‌داند که تاب معانی متعدد را داشته باشد و بدون ضمیمه، مقصود معلوم نگردد؛ مثل (ثم علی استوی علی العرش). (طیب، ۱۳۷۸: ۲۱/۱)

مؤلف‌المنار می‌نویسد: متشابه چیزی است که مفاد دو معنای آن مشتبه بوده و روشن نباشد و این قول اکثر علمای تفسیر است. (رشیدرضا، بی‌تا: ۱۹۳/۳)

متشابه در نزد سلف عبارت است از هر آیه‌ای که ظاهرش مورد نظر نباشد و لذا آیات محکم، گاهی در مقابل متشابه قرار خواهند گرفت و گاهی در مقابل آیات منسوخ. (ملکی، ۱۳۸۳: ۱۱۵)



به نظر آیت‌الله مصباح یزدی چون باب تفاعل دال بر مشارکت دو چیز در ماده‌ی فعل است متشابه همانندی دو چیز با یکدیگر را می‌رساند. پس هر گاه شیء واحدی به آن متصف شود، بدان جهت است که همانندی اجزای آن شیء واحد و نسبت آن‌ها به یکدیگر در نظر گرفته شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۷/۱) که به این معنا در برخی از روایات اشاره شده است. (مجلسی، ۱۰۴۳: ۱۹/۲۵ و ۳۰) علامه طباطبایی می‌نویسد: تشابه، یعنی توافقی که بین اشیاء مختلف در برخی از کیفیات و اوصاف حاصل می‌شود. چون که در آیه بیست و سه سوره زمر، تمام آیات قرآنی را به این وصف خوانده است، ناگزیر منظور آن است که: همه این آیات نظم واحدی دارند و از لحاظ اسلوب و روش، تشابه تام دارند، هم چنین از لحاظ بیان کردن حقایق و حکم آن توافق دارند، و همه در هدایت کردن و راهبری به سوی حق، شباهت بسیاری دارند. اما تشابهی که در مقابل دسته دیگر آیات یعنی محکّمات در آیه هفت سوره آل‌عمران قرار گرفته، آن آیاتی می‌شود که در نظر ابتدایی مصداق و مدلول واقعیش برای سامع روشن نیست، یعنی با معانی و مصادیق دیگر اشتباه می‌شوند و این تشابه به حال خود است تا وقتی که آنرا به محکّمات رجوع داده معانی واقعی هر یک را روشن کنیم، که پس از معلوم شدن، خود این آیه‌ی متشابه برگشته آیه‌ای محکّمه می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۲۰/۲)

این اشکال مطرح شده است که: جای تردید نیست که در صورت اصول ثابت و فروع متفرقه، باید آن فروع را به اصول خود مراجعه داده بواسطه آن امر مربوط آن فروع را روشن کند - اعم از آنکه در معارف قرآنی باشد یا غیر آن - لیکن این قسمت باعث نمی‌شود که در پاره‌ای از آیات مربوطه به فروع تشابهی حاصل گردد، بنابراین پیدا نمودن وجه تشابه اهمیت دارد.

در پاسخ می‌توان گفت: معارفی که قرآن برای مخاطبین بیان فرموده است، معارف عالی‌ه‌ای است که خارج از افق حس و ماده است و چون افراد عادی با عالم مادی محسوس مأنوس شده‌اند، نمی‌توانند حقیقت آن‌ها را درک کنند اما در معارفی که مربوط به احکام عادی است چون بعضی از آیات بواسطه تغییر مصالح منسوخ شده و از طرف دیگر آیات قرآن بطور متفرق نازل شده که با رجوع به آیات ناسخه، تشابه آن‌ها برطرف می‌شود. (همان: ۲۲/۳)

در تفسیر عیاشی است که از امام صادق (علیه‌السلام) پرسیدند: محکم چیست و متشابه کدام است؟ فرمود: محکم چیزی می‌باشد که به آن عمل شود و متشابه آن است که بر جاهلش مشتبه شود. (عیاشی، بی تا: ۸/۲)

این روایت به صورت اشاره می‌فهماند که می‌توان به مدلول آیات متشابه، علم پیدا نمود؛ یعنی آیات متشابه نیز قابلیت فهم برای افراد عالم به آن دارند و جاهل نیز می‌تواند به عالم به آنها برای فهم معنایشان رجوع کند.

### عوامل تشابه سخن از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی

از منظر آیت‌الله مصباح یزدی پنج عامل سبب تشابه آیات می‌گردد؛ که می‌توان آن عوامل را به عوامل ناشی از متکلم، عوامل ناشی از شرایط زمان و مکان و عوامل ناشی از کلام تقسیم نمود:

#### ۱- عوامل ناشی از سوی متکلم که باعث تشابه کلام می‌شود:

##### الف- نقص گوینده

نقص گوینده ناشی از متکلم است که توانایی رساندن واضح و دقیق مطلب مورد نظر خود یا مفهوم آن را ندارد که در این صورت ابهام یا کج فهمی مخاطب برعهده متکلم است.

آیت‌الله مصباح یزدی دست به یک تقسیم‌بندی می‌زند و می‌گوید: نقص گوینده، در بعضی از مواقع ذاتی و غیراكتسابی می‌باشد؛ مثل بعضی از افراد که به علت یا علل طبیعی قادر به بیان مافی‌الضمیر خود نیستند و برخی مواقع یا موارد اکتسابی و اختیاری است؛ مانند فارس زبانی که بخواهد مقصود خود را بیان کند ولی تسلط کافی بر واژگان و اصطلاحات و قواعد نداشته باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۱۸۳/۲)

باید توجه داشت که نقص غیراكتسابی با تعلّم و تسلط بر منابع، قابل برطرف شدن است، همچنین گاهی گوینده با اینکه تسلط کافی بر واژگان یک زبان ندارد اما مخاطب او می‌تواند از میان حرف‌هایش به مقصود او پی ببرد.

#### ب- تفهیم به افراد خاص یا به اندازه خاص

گاهی گوینده، قصد فهماندن مقصود خود را به افراد خاصی دارد و رمزگونه سخن می‌گوید یا اینکه می‌خواهد همگان به صورت اجمالی از مراد او باخبر شوند، که در صورت اول برای کسانی که نسبت به آن رموز آگاهی ندارند، و در صورت دوم برای ناآگاهان از جزئیات موضوع، سخن برای همه افراد متشابه خواهد شد. (همان)

در این صورت افراد ناآگاه می‌توانند به دانایان این رموز مراجعه کنند و این مورد می‌تواند مطابق با نظر کسانی باشد که آیات متشابه را رموزی بین خدا و پیامبر (ص) می‌دانند؛ و بعد از پیامبر (ص) به امامان معصوم (ص) به عنوان جانشین ایشان رجوع کنند.

#### ج- معماگویی

گاهی گوینده در عین داشتن توانایی کامل و تام، عمدا سخن خود را طوری مطرح می‌کند که مقصودش در بوته ابهام قرار می‌گیرد یعنی متکلم در این مورد از روی قصد معماگویی می‌کند. (همان، ۱۸۴)

این مورد حکایت از سرگرم کردن مخاطبان و یا خود متکلم دارد و کمتر هدف از آن یاد دادن مطلب به دیگران است و پاسخ در آن مجهول است، البته سخنان معما گونه اغلب طوری هستند که بعد از مدتی، ابهام آن برطرف و برای همگان روشن خواهد شد در حالیکه آیات متشابه بوسیله معصومان(ع) به مراد واقعی آنها پی برده می‌شود.

## ۲- تشابه ناشی از شرایط زمانی و مکانی:

الف- جدایی قراین و قیود از اصل سخن

در بعضی از موارد گوینده و متکلم قیده‌ها و قراین لازم را با اصل کلامش برای مخاطب بیان کرده، اما بر اثر گذشت مدتی از آن زمان، قیود و قراین همراه کلامش از متن سخن فاصله گرفته و از آن جدا افتاده و یا آنکه شنونده و مخاطب از آن غفلت کرده است که در این صورت نیز موجب تشابه سخن می‌شود. (همان: ۱۸۵) البته باید به این نکته توجه داشت که این قراین و قیود برای افراد مخاطب که متوجه‌اند، واضح است و در این غیر این صورت برای دیگران حتی مخاطبانی که به آن قراین توجه ندارند اصل سخن مشتبه خواهد شد.

ب- جدایی قراین ناشی از شرایط مکانی

نگارنده بر این عقیده است که می‌توان عامل و شرایط مکان را به این موارد اضافه کرد، مثلا متکلم در مکانی مطلبی را برای افرادی بیان می‌کند که به عنوان قرینه در شرایطی که مطلب خاصی را برای آنان بیان می‌دارد در نظر بگیرند که ممکن است در اثر عدم تکرار، مخاطبین حاضر در آن مکان قرینه را فراموش کنند و برای کسانی که در آن مکان حضور نداشته‌اند به کلی تشابه در سخن بوجود آید.

### ۳- عوامل تشابه ناشی از خود کلام و سخن:

متعالی بودن محتوا

الفاظ و عباراتی که بشر آنها را به کار برده یا می‌برد، برای معانی محدود و محسوس و در حد خود مخاطب و متکلم وضع شده‌اند؛ در صورتی که بعضی از معانی و مطالب بالاتر و برتر از آن می‌باشد که در قالب الفاظ و عبارات بیان گردد به همین خاطر زمانی که به دنبال بیان امور نامحدود و نامحسوس فراسوی ماده با همین واژه‌های مورد استعمال بشر باشد، سخن متشابه می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲/۱۸۵)

طبیعی است که بیان معارف متعالی برای مخاطبانی که با محسوسات و الفاظی که برای آن‌ها وضع شده‌اند به طوری که برایشان قابل فهم باشد جز با کلماتی که برای آن‌ها قابل فهم باشد میسر نیست.

وقتی خداوند بخواهد مورد اموری که از فهم عادی ما بالاتر است سخن بگوید باید از الفاظ و عباراتی بکار ببرد که ما با تامل در آن الفاظ به اندازه فهم خود آنها را درک کنیم هر چند ادراک کنه و باطن آن معانی از فهم ما بالاتر است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۸۶)

بررسی عوامل تشابه مطرح شده در قرآن کریم

برخی از عوامل که بیان شد، در مورد قرآن کریم روا نیست، مانند نقص گوینده، زیرا خداوند در عین توانایی بی‌نهایت، قرآن را به عنوان معجزه فرو فرستاده. همچنین عامل معما گویی نیز، در قرآن راه ندارد؛ زیرا معما گویی در اصل برای سرگرمی و گذراندن وقت می‌باشد در حالیکه قرآن مجید رها ساختن و آزادی مخاطب از غفلت نسبت به آخرت و امور اخروی، و نزول کتاب‌های آسمانی را کسب معرفت و دستیابی به

سعادت واقعی می‌داند اما دیگر عوامل تشابه در قرآن مشاهده می‌شود. حروف مقطعه قرآن کریم و آیات دیگری که مقاصد و اهداف قرآنی در آن‌ها به صورتی مجمل و مختصر بیان شده است، نشانه تفهیمی خاص برای فرد یا افرادی خاص یا به اندازه‌ای خاص، آیاتی از قرآن کریم که قیدها و قرینه‌های آن در آیه یا آیاتی دیگر یا در احادیث و فرمایشات معصومین (علیهم‌السلام) بیان شده، معلول این عامل جدایی قیود و فراین هستند و آیات متشابه بیانگر حقایقی فراتر و فراسوی ماده، به دلیل وجود عامل پنجم متشابه شده‌اند. (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۱۸۶/۲)

مصادیق آیات متشابه که در آیه ۷ سوره آل‌عمران به آنها اشاره شده است:

قرآن پژوهان برای آیات متشابه، مصادیق گوناگونی ذکر کرده‌اند، آیت‌الله مصباح‌یزدی درباره مصادیق آیات متشابه، معتقد است که: آیات مشتمل بر معارف بلند و حقایق فراسوی ماده؛ حروف مقطعه (فواتح السور)؛ مجمل‌ها، عام‌های قرآنی، مطلقات آن، منسوخ‌ها و دیگر موارد که به سبب جدایی کلام از قیدها و قرینه‌ها متشابه می‌شوند، از مصادیق آیات متشابه‌اند. (همان، ۱۷۰) در حالیکه علامه طباطبایی، حروف مقطعه را نه محکم محسوب می‌کند و نه متشابه؛ زیرا کلامی است رمزی که درک بشر عادی بدان راه ندارد. (طباطبایی، ۱۳۶۱: ۹/۱۸) البته این‌که علامه حروف مقطعه را نه محکم می‌داند و نه متشابه، به نظر نگارنده این سطور قابل قبول نیست؛ چرا که اولاً: طبق آیه هفتم سوره آل‌عمران، آیات یا محکمند و یا متشابه؛ لذا اگر علامه این تقسیم‌بندی را قبول ندارند باید دسته‌بندی که این آیات در آن قرار می‌گیرند را بیان می‌فرمودند؛ زیرا به طور مسلم حروف مقطعه قرآن کریم را در شمارش آیات قرآن به حساب می‌آورند. ثانیاً: در صورت قبول این حرف وجود این آیات در قرآن لغو می‌شد؛ زیرا کسی آنها

را نمی‌فهمید در حالی که طبق آیه ۱۲ سوره فرقان استواری و نیرومندی قلب پیامبر(ص) از جمله فواید نزول تدریجی آیات قرآن ذکر شده است که لازمه استواری و نیرومندی قلب پیامبر(ص) آگاهی از معانی آیات نیز هست چرا که ممکن است مخاطبی از ایشان در مورد آنها سوال بپرسد یا پرسیده باشد و به دست ما نرسیده باشد. ثالثاً: چه اشکالی دارد که پیامبر(ص) و جانشینان ایشان از معنای این آیات آگاه باشند چرا که طبق حدیث ثقلین عدل قرآن هستند و هدف از وجود این آیات، مراجعه مردم به اولیای الهی به عنوان هادیان حقیقی بشر باشد. رابعاً: این نظر ایشان در مقابل نظر دیگران است که این آیات را جزء متشابهات می‌دانند.

ابوالفتوح رازی در ذکر محکم و متشابه اقوالی را نقل کرده از جمله اینکه محکومات قرآن حلال و حرام و حدود و احکام و فرایض است و متشابه امثال و مواعظ و مقدم و موخر است. (رازی، بی‌تا: ۴۴۲/۲) این در حالی است که در تعریف متشابه آورده که مراد از آن مشتبه بودن است حال اینکه پند و موعظه را جزء متشابه آوردن با تعریف آن ناسازگار است چون موعظه معنایش واضح است ثانیاً در ذکر مصادیق آن ابهام است که منظور از مقدم و موخر چیست؟

وی حروف مقطعه را جزو متشابهات می‌داند و به روایتی از عبدالله بن عباس استناد می‌کند که هنگام سوال حیی اخطب و کعب اشرف و ... از پیامبر(ص)، درباره حروف مقطعه سوال کردند، ایشان آیه هفتم سوره آل‌عمران را تلاوت کردند. (همان: ۴۴۳-۴۴۴)

سیوطی نیز فواتح سوره‌ها و منسوخ‌ها را جزء متشابهات می‌داند. (سیوطی، ۱۳۶۳: ۵/۲)

به عقیده ابن تیمیه، آیات صفات قرآن کریم از متشابهات است و تأویل در معنای متداول در آنها جایز نمی‌باشد، اما تفسیر و فهمیدن معنی لغوی آنها جایز است، و باید

آنها را به معنی ظاهری و لغوی که دارند حمل کرد و به آن اکتفا کرد و هیچ گونه سوالی در مورد چگونگی آنها نکرد زیرا این کار یک بدعت است. (ناصر، ۱۳۹۲: ۷)

در دسته‌بندی که ابن تیمیه انجام داده آیات صفات در حیطه اخبار قرار می‌گیرند که به عقیده او معنی آنها قابل درک است اما چگونگی آن در اصل و متن واقع معلوم نیست. (همان: ۸)

### فلسفه آیات متشابه قرآن از نظر آیت‌الله مصباح یزدی

قرآن پژوهان و مفسران در زمینه فلسفه وجود آیات متشابه قرآن، مطالبی بیان کرده‌اند که در ضمن بیان دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی و ابن تیمیه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

#### ۱- تعالی محتوا و تشابه ذاتی

از آنجایی که الفاظ و عبارات مورد استفاده بشر برای مفاهیم مادی و محسوس وضع شدند، و وجود حقایق بلند و متعالی که الفاظ دیگری برای بیان آنها وجود نداشته یا ندارد ناگزیر و ناگزیر باید با الفاظی که مصداق‌های حسی و ماورای حسی دارد بیان شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۸۷/۲)، برای نمونه واژه عرش که در آیه (الرحمن علی العرش استوی). (طه: ۵) از آیات متشابه محسوب می‌شود.

رشیدرضا نیز یکی از عوامل تشابه قرآن را اختلاف سطح درک مخاطبان می‌داند و می‌گوید که: همه مردم نمی‌توانند مطالب عالی معارف قرآن را در یک سطح بفهمند. (رشیدرضا، بی‌تا: ۱۷۱/۳)

صاحب تفسیر کاشف درباره حکمت وجود تشابهات در قرآن چنین می‌نویسد: دعوت قرآن شامل عالم و جاهل است؛ برخی از معانی برای همه مخاطبان قابل فهم



است و برخی از معانی دقیق و عمیق است و نیاز به یادگیری و تعلم دارد و حکمت الهی گاهی موجب ابهام می‌شود. (مغنیه، بی تا: ۱۴/۲-۱۵)

آیت‌الله معرفت، تعبیرهای عمومی و در بردارنده چندین معنا که جزء با رجوع به متخصصان، مقصود از آن دانسته نمی‌شود؛ مانند: دابه، در آیه هشتاد و دو سوره نمل؛ و استعاره‌های ژرف که رسیدن به حقیقت آن، کاوش و اندیشه ورزی بسیاری می‌طلبد را دلیل این امر می‌داند. (معرفت، بی تا: ۱۰/۳-۱۱) همچنین از نظر ایشان، مهمترین عامل تشابه بلندای معنا و دقت آن است بگونه‌ای که الفاظ از بیان کامل آن ناتوان است. (همان: ۹)

## ۲- روش عقلایی محاوره و تشابه طبیعی

مقتضای تفهیم مطلب به مخاطب خاص، بیان عبارت به صورت رمزگونه است که یک روش محاوره عقلایی است و بدین وسیله زمینه حفظ آیات از تحریف و تبدیل نیز فراهم می‌آید. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۱۸۸/۲) در برخی از روایات نیز به این مطلب اشاره شده است؛ اگر خدای متعال تمام مردم را نسبت به (متشابهات) آگاه می‌کرد، در آن صورت برخلاف حکمت می‌بود و سبب فساد در تدبیر (امور عالم) می‌گردید و دیگر اطمینانی به این نبود که انسان‌های غیرمعصوم به وسیله آن بر پیامبری فرستاده شده یا مؤمنی مورد امتحان واقع شده (که از آزمایش‌های و امتحانات الهی سربلند بیرون آمده و پیروز شده است) نفرین نکنند.<sup>۱</sup>

---

۱- لو عمّ الله تبارک و تعالی بمعرفتا جمیع الناس لکان ذلک ضد الحکمه و فساد التدبیر وکان لایؤمن من غیرالمعصوم ان یدعوا بها علی نبی مرسل أو مؤمن ممتحن. (کمال‌الدین و تمام النعمه، ص ۶۴۰ و بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۳۸۱)

### ۳- فاصله زمانی و تشابه عارضی

در زمان نزول قرآن، قراین خارجی و مقامی آیات در دسترس مسلمانان بوده اما کم کم بر اثر گذشت زمان آن قراین برای ما مخفی شده و موجب عارض شدن تشابه بعضی از آیات می شود اما از آنجا که بیشتر قراین در روایات معصومین بیان شده است، می تواند فلسفه متشابه شدن این آیات برای این باشد که مسلمین به مفسرین واقعی قرآن یعنی اهل بیت (ع) مراجعه کرده و ولایت آنها را بپذیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۱۸۷/۲-۱۹۰) که در بعضی احادیث چنین گفته شده؛ ليقودهم الاضطرار الی الایتمار لمن ولاه امرهم؛ تا آن هنگام که اضطرار، آنها را به نظر خواستن و فرمان بردن از والیان امر بکشاند. (طبرسی، ۱۳۸۶: ۳۷۶ و مجلسی، ۱۰۴۳: ۱۲۰/۹۳)

از دیدگاه آیت الله معرفت، قرآن کریم بهترین واژگان را از میان قبایل مختلف عرب بکار گرفت تا زبانی یکپارچه بسازد، چون برخی از واژگان به قبیله ای اختصاص داشت برای دیگران نامأنوس بود مانند: صلد به معنای صاف در لغت هذیل، املاق به عنای گرسنگی در لغت لخم و ...؛ اشاره های گذرا که در میانه سخن آمده و فهم آن نیازمند شناخت آداب و رسوم روزگار نزول و بازخوانی تاریخ است، مانند: نسیء در آیه سی و هفت سوره توبه؛ نهی از وارد شدن از پشت خانه ها، می تواند از حکمت وجود آیات متشابه قرآن باشد. (معرفت، بی تا: ۱۰/۳-۱۱)

از دیگر شبهات مطرح شده در مورد قرآن، شبهه تعدد قرائات است؛ مروّجان و پیروان نظریه تعدد قرائت ها در جوامع اسلامی، با استناد کردن به وجود آیات متشابهات در قرآن کریم دیدگاه خویش را توجیه می کنند. آنها اعتقاد دارند همانطور که آیات متشابه چند معنای مختلف دارند و احتمالات متعددی در موردشان داده می شود. آیات

پژوهشی در آیات متشابه قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی / کیوان خجسته‌مهر ۱۰۱

دیگر نیز را می‌توان دارای چند معانی مختلف دانست بطوری که همه معانی احتمالی را

نیز درست دانست. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۳۷)

به نظر این گروه طبق قواعد علم تجوید مانند: اشمام، اماله، تخفیف همزه و ...؛ بعضی از قاریان قرآن یک آیه را چندگونه قرائت می‌کنند که معانی متفاوتی دارند و همه نیز صحیح هستند؛ از نظر اینان حتی چند مذهب در کنار یکدیگر صحیح بوده و هیچ یک بر دیگری ترجیحی ندارد؛ نه بت‌پرستی از اسلام برتر است و نه اسلام بر بت‌پرستی برتری دارد. (همو، ۱۳۹۱: ۱۴۸-۱۴۹)

### نظر ابن تیمیه در زمینه فلسفه آیات متشابه

به نظر ابن تیمیه وجود متشابهات در قرآن به هیچ وجه مستلزم فهم‌ناپذیری یا هرگونه رازآلودگی نیست و روش فهم آنها در استفاده از قرائن و محکامات آیات است. (رجبی، ۱۳۹۸: ۳)

طبق نظر ابن تیمیه رویکردهای موجود در مواجهه با زبان دین سه دسته هستند؛ (اهل تجهیل، اهل تخییل و اهل تاویل)

#### ۱- اهل تجهیل:

کسانی که با برداشتی اشتباه از آیه (هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات ... و ما یعلم تاویله الا الله) (آل عمران/۷) اعتقاد پیدا کردند که نه پیامبر و نه فرشتگان وحی چیزی از معانی صفات نمی‌دانند. ابن تیمیه می‌گوید که اهل تجهیل این تفکر را از متشابهات قرآن به متشابهات احادیث نیز سرایت داده‌اند، تا جایی که حتی فهم پیامبر(ص) نسبت به احادیث صفات را انکار کردند، که براین اساس پیامبر در مورد اموری سخن می‌گفته که از آن چیزی نمی‌دانسته است. (همان: ۴)

۲- رویکرد تخییل:

این گروه کسانی هستند که قائلند پیامبر از صفات، قصد خیال‌پردازی داشته‌اند.

۳- رویکرد تأویل:

براساس معرفی ابن تیمیه از این گروه، می‌گوید: اینها مثل اهل تخییل نبودند که قائل باشند به اینکه پیامبر از نصوص وارد شده در مورد صفات، قصد دروغ یا خیال‌پردازی داشته، بلکه گفته‌اند: پیامبر از این نصوص، قصد طرح معانی را داشته، اما به تبیین آنها نپرداخته بلکه کشف آن را برعهده مومنین گذاشته تا با عقلشان آن را درک کنند. ابن تیمیه علاوه بر این می‌گوید که اهل تأویل باور دارند که فلسفه نزول متشابهات از جانب پروردگار، بدست آوردن اجتهاد و رشد عقلانی در جهت دست پیدا کردن به شناخت عقلی خداوند بوده است. بنابراین از نظر ابن تیمیه اهل تأویل کسانی هستند که بخاطر اینکه نتوانستند زبان دین یا آیات و احادیث را متناسب با نظام معرفتیشان تصور و تصدیق کنند و از سویی گریزی جز قبول آن نداشتند، با رازآلود خواندن زبان قرآن و احادیث، تأویل آنها دست زدند. (همان: ۵)

اینک لازم است که به معناشناسی محکم و متشابه در قرآن از نظر ابن تیمیه به صورت جدا بپردازیم تا نظر او به صورت ملموس‌تر و مجزا در اختیار خواننده محترم قرار گیرد.

ابن تیمیه برای معناشناسی واژه متشابه از راه شناسایی واژه (محکم) بهره برده تا مبتنی بر اصل (تعرف الاشياء باضدادها) هرچه بهتر بتواند مراد و مقصود از متشابه را تبیین کند. او واژه محکم در قرآن را دارای دو معنا می‌داند: ۱- محکم در مقابل منسوخ یا القاتات شیطان ۲- محکم در مقابل متشابه.

محکم در معنای اول طبق نظر او وصف تمام آیات قرآن است و متشابهات قرآن را نیز به همین معنا محکم می‌شمارد و با اشاره به آیه (منه آیات محکمات هن ام

الکتاب و آخر متشابهات) (آل عمران/۷) و آیه (فینسخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته) (حج/۵۲) گفته که: خداوند متعال، گاهی محکم را در مقابل متشابه و گاهی در مقابل منسوخ قرار داده، بر این اساس مراد از منسوخ در آیه (فینسخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته) (حج/۵۲) را القائنات شیطانی دانسته و بیان کرده که در این کاربرد معنای محکم در این کاربرد در مقابل القائنات شیطان است، همچنین اشاره او در آیه (فینسخ الله ما یلقى الشیطان) (حج/۵۲) این است که، حق تعالی با نسخ القائنات شیطانی، آیات خود را محکم ساخته ست و می‌فرماید: (ثم یحکم الله آیاته) او می‌گوید: احکام کتاب طبق معنای مذکور، جدا ساختن و غربالگری کردن آیات الهی از القائنات شیطانی است. همچنین وی با اشاره به آیه پیشین مذکور و آیه (کتاب احکمت آیاته ثم فصلت) (هود/۱) تأکید می‌کند: وصف محکم در معنای فوق، وصف تمام آیات قرآن می‌باشد و متشابهات آن را هم دربرمی‌گیرد. بنابراین محکمت و متشابهات قرآن به وسیله عنایت خداوند متعال از القائنات شیطانی مصون و محفوظ مانده و به این وسیله متقن و محکم شده است. (همان: ۶-۷)

محکم گاهی در مقابل متشابه بکار برده می‌شود به این تقابل را ناسخ و منسوخ می‌گویند؛ اما منسوخ (رفع دلالت ظاهری) در اینجا با منسوخ (رفع القائنات شیطانی) در بحث قبل متفاوت است. ابن تیمیه ذیل آیه (منه آیات محکمت هن ام الکتاب و آخر متشابهات) (آل عمران/۷) عنوان می‌کند: این متشابهات از متشابهاتی است که خدا نازل کرده، و از متشابهاتی که شیطان القا کرده نمی‌باشد. بر همین اساس او متشابهات را به متشابهات رحمانی که فعل خداوند متعال می‌باشد و متشابهات شیطانی که از القائنات شیطان است، تقسیم می‌کند و می‌گوید: خداوند با نسخ کردن متشابهات و القائنات شیطانی، تمام کتاب خود را محکم خوانده است، چنان که با طرح کردن

متشابهات رحمانی، قسمتی از کتاب خود را محکم و قسمت دیگر آن را متشابه خواند. ابن تیمیه در نهایت به معنی متشابه در کاربرد دوم که وصف بخشی از آیات قرآن است و محل بحث ما هم می‌باشد اشاره کرده و می‌نویسد: (الآیات المتشابهات التي تشبه هذا و تشبه هذا، فتكون محتمله للمعنيين)؛ آیات متشابه آیتی هستند که چندین احتمال معنایی در مورد آنها داده می‌شود. او در جای دیگری عام قابل تخصیص و مطلق قابل تقیید را از انواع متشابهات بیان کرده و چنین می‌گوید: هر گزاره‌ای که معنی ظاهریش به دلیلی راجح ترک شود مثل تخصیص عام و تقیید مطلق، آن متشابه می‌باشد؛ زیرا شامل دو احتمال معنایی است و عبارت مجمل هم در جز متشابه داخل می‌شود.

اما بعضی مواقع مقصود از متشابهات، الفاظی می‌باشد که از لحاظ معنایی چند وجهی است و احتمالات معنایی مختلفی را شامل می‌شود که در مقابل آن مقصود از محکمت، الفاظی است که معنای مستقر و متعینی دارند و احتمالات معنایی مختلف را بر نمی‌تابد.

ابن تیمیه قوام بخشی و احکام متشابهات و به عبارتی دیگر تحلیل و تبیین متشابهات از نظر ابن تیمیه در رفع معنای موهوم برگرفته از آنها به وسیله قرائن و محکمت از آیات است وی در این باره چنین می‌گوید: محکم کردن متشابهات، به رفع معنای موهومی که آن مقصود نیست، می‌باشد. او در بطلان وصف ناپذیری متشابهات به سخن احمد بن حنبل متمسک شده و می‌گوید: قال احمد بن حنبل: المحکم، الذی لیس فیہ اختلاف و المتشابه، الذی فی موضع کذا و فی موضع کذا. و او (و لم یقل فی المتشابه) را ذو احتمالین معنا می‌کند که کاملاً قابل فهم است. (همان: ۷-۸)

در راستای اصالت بخشی به دیدگاهش در معناشناسی متشابهات، ابن تیمیه این بار سراغ سخنی از مالک بن انس می‌رود. مالک بن انس در جواب سؤالی مبنی بر

کیفیت استوای خداوند متعال بر عرش، این چنین گفته است: (الاستواء معلوم و الکیف مجهول) و اضافه می‌کند که: (و هذا قول سائر السلف کابن الماشجون و الامام احمد بن حنبل و غیرهم). ابن تیمیه از این سخن مالک بن انس در اثبات دیدگاهش نسبت به معناداری متشابهات، این گونه نتیجه‌گیری می‌کند و می‌گوید: (مالک فقط علم به کیفیت استواء را نفی کرده است، نه علم به معنای استواء را) او در ادامه با تأکید بیشتری بیان می‌دارد: مالک بن انس و دیگران غیر از او از اهل سنت ... (معنی) استواء از متشابهات را هرگز بی‌معنا نشمردند. وی در نشان دادن اصالت دیدگاه انتخاب خود ضمن اشاره به نقش و جایگاه تعیین‌کننده احمد بن حنبل در بین مسلمین به اثر وی تحت عنوان (الرد علی الزنادقه و الجهمیه فیما شکت فیه من متشابه القرآن) اشاره کرده و چنین می‌گوید: (احمد بن حنبل در این اثرش متشابهات قرآن را آیه به آیه معنا کرده است و تفسیر آنها را آشکار بیان کرده تا فساد اهل تأویل در قول به فهم‌ناپذیری و رازآلودگی متشابهات قرآن را روشن نماید.

بر اساس آن چه که بیشتر بیان شد ابن تیمیه متشابهات قرآن را همانند محکمت آن دارای معنا می‌داند. و در نهایت فرقی که بین این دو وجود دارد در روش معناشناسی متشابهات می‌باشد. روش ابن تیمیه در این امر، ارجاع دادن متشابهات به محکمت است. بنابراین استفاده از قرائن قطعی و مسلم و رفع کردن و دفع ساختن معنای موهوم و بی‌اساس که مقصود نیست مسیر تعیین معنا و مقصود اصلی از بین معانی احتمالی در مورد متشابهات را هموار می‌سازد ...

آنچه که به عنوان جمع‌بندی این بحث می‌توان گفت، سخنی واضح و آشکار است که خود ابن تیمیه بیان کرده که در آن در مورد معناشناسی واژه محکم و متشابه و روش فهم این دو چنین می‌گوید: *إنَّ من النصوص ما معناه جلی واضح ظاهر لا یحتمل الا وجهها واحدا لا یقع فیه اشتباه و منها ما فیه خفاء و اشتباه یعرف معناه الراسخون فی*

العلم فان هذا تفسیر صحیح و حینئذ فالخلاف فی المتشابه یدل علی انه کله یعرف معناه فمن قال انه یعرف معناه یبین حجتہ علی ذلک: در میان نصوص برخی از آنها معنایشان روشن و واضح است به گونه‌ای که فقط یک وجه معنایی دارد و هیچ شبهه‌ای در مورد (معنای) آن وجود ندارد و بعضی دیگر معنایشان مخفی و پنهان است که اهل علم به آن آگاهند و آن (معنی) را می‌شناسند. وجود داشتن اختلاف در مورد معنای متشابه از معناداری متشابهات حکایت دارد البته هر کس که قائل به معنایی باشد باید دلیل خود (در تعیین آن معنا از بین معانی مختلف احتمالی) را ذکر کند. (همان: ۸-۹)

### شیوه مواجهه با آیات متشابه قرآن کریم از نظر آیت‌الله مصباح یزدی و ابن تیمیه براساس آیه ۷ سوره آل عمران

آیت‌الله مصباح یزدی ابتدا واژگان مهم آیه را معنا می‌کند، سپس شیوه تعامل با آیات متشابه را بیان می‌فرماید:

#### الف- معنای فتنه در آیه ۷ سوره آل عمران

معنای فتنه به انقلاب و دگرگونی در فکر و اضطراب داشتن و آشفتگی عقیدتی است؛ یعنی افرادی که بیماری دل دارند با تمسک به آیات متشابه دست آویز قرار دادن آنها، به دنبال زیرو روکردن و دگرگون ساختن دین و عقاید مردم هستند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۱۵۶/۲)

#### ب- تأویل

مقصود از آن چیزی است که آیات بگونه‌ای بدان بازگردانده شود. (همان)



### ج- زیغ

به معنی کجی و ناراستی و خروج عضو یا چیزی از حالت و حد اعتدال است که لازمی آن از کار افتادن آن عضو و به نتیجه نرسیدن تلاش آن است. در قرآن کریم زیغ به چشم و قلب (که مرکز احساسات و عواطف انسان هستند) و همچنین به خود انسان نسبت داده شده. (همان: ۱۵۴) زیغ عبارت است از انحراف از تعادل. (همو، ۱۳۸۴: ۱۶۳/۱)

### د- ام‌الکتاب

از آنجا که آیات محکم قرآن کریم، بخش مرجع هستند و آیات متشابه قسمتی هستند که باید به محکومات آن برگردند، به همین خاطر فهمیدن آیات متشابه قرآن بدون بازگرداندن آنها به محکومات مرتبط با آن میسر و ممکن نیست. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۵۸/۲)

### ه- اتباع

منظور از اتباع و پیروی کردن متشابه، تبعیت فکری می‌باشد؛ بدین معنا که اهل زیغ محکومات قرآن را رها کرده‌اند و در پی آیات متشابه و اتباع از آن می‌روند و با توجیه و تأویل آنها، دیدگاه‌ها و نظرات باطل خویش را از آنها برداشت کرده تا با تحریف کردن آیات، مردم را منحرف ساخته و در جامعه فتنه به پا کنند. (همان: ۱۵۲)

### و- راسخان در علم

قرآن کریم مردم را از پیروی کردن متشابهات بدون آنکه به محکومات و تفسیر، توضیح و تبیین پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) توجه کنند منع کرده است. همچنین قرآن

پیروی از متشابهات قرآن را نشانه‌ای از انحراف دل می‌داند و فرموده: کسانی که متشابهات قرآن را ملاک و معیار فکر و نظر و فهم و عقیده‌ی خویش قرار می‌دهند به دنبال فتنه‌افکنی، تأویل و تحریف کردن قرآن هستند به فرموده قرآن کریم، تأویل بردن و تفسیر کردن آیات متشابه را جز خداوند سبحان و راسخان در علم و ائمه معصومین(ع) نمی‌دانند. راسخان در علم کسانی هستند که با جان و دل بندگی خداوند را پذیرفته‌اند و می‌گویند ما به همه قرآن ایمان آوردیم؛ چه محکومات آن و چه متشابهاتش، چرا که همه آن از سوی پروردگار ماست. (همو، ۱۳۷۹: ۸۲) که همان معصومین(ع) هستند.

آیت‌الله مصباح یزدی (و) در (الراسخون) را برای استیناف می‌داند و معتقد است که کسی جز خداوند متعال به تأویل قرآن آگاه نیست و پیامبر(ص) و معصومان(ع) با تعلیم خداوند بدان آگاه شده‌اند. (همو، ۱۳۹۴: ۱۶۲/۲)

برای فهمیدن آیات متشابه قرآن، خود قرآن کریم دو طریق و مسیر را بیان کرده است: طریق اول که در فهمیدن همه آیات قرآن کریم مفید است، معرفی کردن مفسرین معصوم (علیهم‌السلام) به مردم می‌باشد. هنگامی که قرآن کریم، پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع) را به عنوان مفسر خود قرار می‌دهد واضح است که برای فهمیدن این آیات نیز باید به آن بزرگوران مراجعه نمود.

راه دوم برای پی بردن به معنا و فهم آیات متشابه قرآن این است که ابتدا آیات محکم را که دارای معنای روشن و واضحی هستند به عنوان ملاک و معیار قرار دهیم. برخی معاصرین چنین گفته‌اند: آیات محکم یعنی آیاتی که در دلالت خود استحکام دارند ابهام و تردیدی در دلالتشان وجود ندارد و این آیات در دلالت بر معنای خاص یا صریح است و احتمال خلاف آن معنای صریح وجود ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۰۳) بنابراین، برای دستیابی به فهم جامع و درستی از آیات قرآن کریم،

نخست باید محکمت را بشناسیم و آنها را بفهمیم، سپس متشابهات را به آنها ارجاع دهیم تا بتوانیم برداشت درستی از آیات متشابه داشته باشیم. (همان: ۴۰۷) [زیرا] رابطه محکم با متشابه مانند پیوند اصل و فروع یا دایه و فرزند است؛ یعنی محکم متشابه را نمی‌زاید، بلکه آنرا در دامان خود می‌پروراند تا شکوفا شده و از تشابه برهد و به محکم بپیوندد. (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۱۳/۱۴۷) نباید تفسیر متشابهات به گونه‌ای باشد که با مضمون و مفاد آیات محکم تناقض و تنافی داشته باشد؛ برای اینکه آیات محکم به فرموده خود قرآن کریم، ام‌الکتاب؛ یعنی اصل و مرجع کتاب هستند. (آل‌عمرن/۷) و هیچ‌گونه ابهام و استفهامی در این آیات راه ندارد. بنابراین اگر آیه متشابهی دارای دو یا چند احتمال است، باید آن معنی را معیار قرار داد و انتخاب کرد که با آیات محکم سازگار باشد، براساس این مبنا اگر چه در بدو نظر آیات متشابه قرآن دارای چند احتمال است که نمی‌شود آنها را قبول و یا رد کرد، ولی پس از ارجاع آنها به محکمت، بیش از یک تفسیر ندارند و دیگر احتمالات مرجوح و غیرقابل قبول خواهد بود. روشن است که این احتمالات متعدد ابتدایی هرگز به معنی درست بودن همه آنها نیست زیرا با تدبر و اندیشه در آیات محکم، احتمال راجح مشخص می‌شود. به این ترتیب، بحث از آیات متشابه قرآن هیچ‌گونه ارتباطی با نظریه تعدد قرائت‌ها پیدا نمی‌کند؛ چرا که در نظریه تعدد قرائت‌ها تمام احتمالات و وجوه تفسیری، صحیح و قابل قبول پنداشته می‌شوند حتی در صورتی که وجه جمعی میان آنها وجود نداشته باشد و با یکدیگر ناسازگار باشند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۳۹)

البته در مواردی که قرائت‌های متعدد از طریق تواتر یک آیه به ما رسیده باشد و موجب تفاوت معانی شود، مورد پذیرش است، لازم به ذکر است که شناخت معانی متفاوت در صورتی که براساس ضابطه مانند: آشنایی با ادبیات عرب و ... باشد درست

است وگرنه اظهار نظری بی ضابطه و بی اساس است که در هیچ محفل علمی و عقلایی اعتباری ندارد. (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱: ۱۱۹/۲) قرآن نیز می‌فرماید: کسانیکه حقیقت طلب نیستند و در قلوب ایشان انحراف راه دارد در پی آیات متشابه هستند تا معانی دلخواه خویش را به جامعه تحمیل کنند؛ اینان در دین فتنه‌گری می‌کنند و مردم را از مسیر صحیح منحرف می‌سازند. (همان: ۱۲۹)

مقصود از هدایت‌گر بودن قرآن کریم، این است که این کتاب آسمانی، اولین مصدر تشریح احکام و قانون اساسی زندگی بشر می‌باشد. این به معنای آن نیست که هر کسی خود بتواند، در تمام احکام و قوانین مورد نیازش به قرآن رجوع کند، چرا که چنین کاری بر عهده‌ی متخصصان و اهل آن فن است. آنها از قرآن نکات و مطالبی را استنباط و استخراج می‌کنند که امکان بهره بردن آن برای همه مردم فراهم و ممکن نیست. وظیفه آنها رهبری امت در پرتو راهنمایی‌ها و رهنمودهای قرآن کریم است. بنابراین، قرآن به عنوان چراغی راهنما فراروی کاروان انسانیت برای همیشه تاریخ در مسیر زندگی است. (معرفت، بی تا: ۱۴/۳-۱۵)

ابن تیمیه می‌گوید: آیاتی از قرآن کریم صفات خبریه مانند دست، وجه، آمدن و ... را به خداوند سبحان نسبت می‌دهند از نظر ابن تیمیه همه آیاتی که در آنها صفات خبریه ذکر شده است همگی از آیات محکم و محکمت هستند. (حیدری، ۱۳۹۱: ۲۹۴) از جمله نتایجی که بر این بحث مترتب می‌شود این است که در صورتی که آیه را محکم بدانیم بر ظاهرش باقی می‌ماند و نیاز به چیزی ندارد و زمانی که آن را متشابه بدانیم لازم است که آن را به آیات محکم ارجاع دهیم. (همان: ۲۹۵) تا آن آیه نیز محکم شود.

پژوهشی در آیات متشابه قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی / کیوان خجسته‌مهر ۱۱۱

بنابراین زمانی که در آیه ۱۰ سوره فتح به دست خداوند اشاره شده است طبق نظر ابن تیمیه به لغت مراجعه می‌کنیم که منظور از دست همان عضو مخصوص است پس به آن ایمان می‌آوریم و آن را به محکم ارجاع نمی‌دهیم. (همان) و این چنین ابن تیمیه و پیروانش آیاتی که صفات خبری را بیان می‌کنند از محکمت می‌دانند و این امر پافشاری می‌کنند به خاطر باقی گذاشتن معانی آنها بر طبق ظاهرشان. (همان: ۲۹۶)

### بررسی حکمت آیات متشابه از منظر دیگران

اینک نظر برخی از مفسران و قرآن پژوهان در زمینه فلسفه آیات متشابه ذکر و بررسی می‌شود؛  
(الف) رشیدرضا:

۱- وجود متشابهات جنبه آزمایشی و امتحانی دارد؛ اگر قرآن تماماً محکمت بود همه‌ی کسانی که در ظاهر ایمان آورده بودند به ناچار آن را قبول می‌کردند ولی قسمتی از آن به صورت متشابه نازل شد تا وسیله امتحان باشد.

به نظر نگارنده این وجه نمی‌تواند دلیل خوبی باشد، زیرا اولاً همه مردم به قرآن رجوع نمی‌کنند تا در معرض امتحان قرار گیرند. ثانیاً سطح درک همه افراد به یک اندازه نیست و چه بسا این کار موجب گمراهی عده‌ی زیادی از افراد شود.

۲- وجود آیات متشابه باعث می‌شود تا مردم در اطراف برهان عقلی فکر کنند و به استدلال پردازند و این موجب تقویت تعقل در مردم می‌شد. (رشیدرضا، بی‌تا: ۱۷۰/۳-۱۷۱)

(ب) فخر رازی:

۱- ثواب اخروی: وقتی قرآن متشابهاتی داشته باشد مردم برای فهم آن زحمت می‌کشند و این زحمت باعث پاداش اخروی آنها می‌شود.

۲- جلب مخالفان: مردم در زندگی روش‌ها و مسلک‌های مختلفی دارند، اگر قرآن به صورت صریح و محکم در برابر آنها قیام می‌کند، باعث تنفر و انزجار آنها می‌شد و از همان اول می‌گفتند این کتاب مخالف ماست.

۳- فراگرفتن علوم دیگر: افراد برای فهم متشابهات ناچارند علوم دیگری را از قبیل؛ لغت، صرف، نحو، و جز اینها بیاموزند تا به مراد آیه پی ببرند.

۴- تقویت جنبه‌ی عقلانی مردم: مردم ناچارند برای فهمیدن متشابهات قرآن تأمل و تدبر نمایند و از این جهت عقل آنان ورزیده شود.

تفسیر نمونه نیز تقویت تعقل و اندیشه‌ورزی و پرهیز از تقلید را فلسفه وجود آیات متشابه می‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۳۶/۳)

۵- استفاده هرکس به اندازه خویش: هر کس به اندازه استعداد خود بتواند از آیات قرآن استفاده ببرد. (فخر رازی، ۱۴۲۳: ۱۸۶/۴)

آیت‌الله مصباح در نقد مطالب گفته شده، چنین می‌نویسد: وجه اول: زیان چنین کاری، از منافع آن بیشتر است و به سبب آن عده‌ای گمراه می‌شوند این کار مانند این است که بگویند خوب است انسان غذاهای سفت و سخت میل کند تا فکی محکم و قوی داشته باشد.

وجه دوم: جلب و جذب مخالفان نیز فلسفه درستی برای حکمت متشابهات قرآن نیست؛ زیرا کسی که عناد داشته باشد با این راهها دست از لجاجت برنمی‌دارد؛ بلکه از همان متشابهات سوءاستفاده کرده و گروهی دیگر را نیز گمراه خواهد کرد.

وجه سوم: آیات صریح و محکمی داریم که فرمان به تعقل و تدبر در امور مختلف می‌دهد و همین برای بکار انداختن تعقل مردم کافی است، افزون براین اگر با آیات محکم بتوان به این هدف رسید، چه نیازی به طرح آیات متشابه است که تعدادی در پی تلاش‌های عقلی گمراه شوند؟

پژوهشی در آیات متشابه قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی / کیوان خجسته‌مهر ۱۱۳

وجه چهارم: یادگرفتن علومی مانند صرف، نحو، لغت و ... اختصاصی به آیات متشابه ندارد بلکه برای هر سخن دیگر و از جمله آیات محکم نیز ضروری است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲/۱۹۳-۱۹۴)

(پ) زمخشری:

مؤمن معتقد وقتی که در ظاهر قرآن تناقض ببیند در اطراف آن تفکر کرده و محکم را با متشابه مطابقت می‌دهد و بر ایمانش افزوده می‌شود. (زمخشری، بی‌تا: ۱/۳۳۸)

در نقد این وجه باید گفت که: اولاً قرآن برای هدایت همه انسان‌هاست تا با مراجعه به آن بتوانند مسیر سعادت را پیدا کنند، ثانياً وجود فرقه‌های مختلف که به آیات قرآن استناد کرده و آن را بر مذاهب خود تطبیق می‌دهند این سخن را رد می‌کند، و دلیل مناسبی برای فلسفه وجود آیات متشابه قرآن نیست.

(ت) ابن جوزی:

۱- ارائه معانی در آرایه‌های ادبی (استعارات و کنایات) برای اعلام اعجاز قرآن: این آیات که عموماً از آرایه‌های ادبی برخوردارند برای نشان دادن فصاحت و بلاغت قرآن و در نهایت، بایسته ساختن معجزه بودن آن است؛ به چونه‌ای که بشر در برابر عظمت ساختاری و ادبی آن خضوع کرده و به آن ایمان آورند.

این وجه با ادامه آیه که هدف را فتنه‌انگیزی عده‌ای بیان می‌کند سازگار نیست و خداوند متعال برتر از آن است که برای اعلام معجزه بودن قرآن از روشی استفاده کند که با هدف نزول قرآن که هدایت مردم است، در تناقض باشد. ۲- وجود آرایه‌های ادبی فقط مخصوص آیات متشابه نیست بلکه در آیات محکم نیز وجود دارد.

۲- آیات متشابه چون گنجینه‌ای ارزشمند برای معارف رمزآلود قرآن است: ادبیات خاص آیات متشابه که دو پهلوست، سبب می‌شود این آیات ظرفیتشان برای معارف بلند بیشتر باشد.

در مورد این وجه نیز باید گفت که تمامی آیات قرآن گنجینه اسرار و خزانه معارف الهی اند نه فقط آیات متشابه. (ابن جوزی، ۱: ۱۴۰۷/۳۰۱-۳۰۲)

ث) طبرسی:

ابزار بیان برتری دانشمندان بر دیگران: چون دانشمندان معنا و مفهوم واقعی آیات متشابه را درک می‌کنند که دیگران از درک آن ناتوانند در نتیجه در مقابل دانشمندان خاضع می‌شوند.

در تقدآن گفته می‌شود که اینکه علت برتری دانشمندان باشد و در مقابل زمینه گمراهی عده‌ای فراهم آید نمی‌تواند دلیل خوبی برای این کار باشد. (طبرسی، ۱۴۰۹: ۱/۱۵۹)

ج) طوسی:

اگر قرآن همه‌اش محکم باشد احتمال تاویل نمی‌رود و اختلاف در آن ممکن نمی‌بود زیرا محنت و سختی از بین می‌رفت و منزلت همه با هم برابر می‌شد و منزلت و جایگاه علما از دیگران روشن نمی‌شد، خداوند بعضی از قرآن را متشابه نازل کرد تا اهل عقل و علما به افکارشان عمل کنند و با سختی و استدلال به فهم مراد قرآن برسند و بدین وسیله به منزلت بزرگ و عالی دست پیدا کنند چون خداوند بندگان را خلق کرده تا ثواب ببرند و آنها را مکلف کرده تا به مراتب عالی برسند. (طوسی، بی‌تا: ۱/۹-۱۰)

این وجه بیانگر این است که وجود آیات متشابه فقط برای این است که علما به منزات و مقام والا دست پیداکنند در حالیکه قرآن کتابی است که برای هدایت همه نازل شده تا با عمل به آن همه انسان‌ها به سعادت و کمال برسند.

ح) نه‌اوندی:

ایشان نیز فوایدی برای آیات متشابه ذکر می‌کند از جمله:



پژوهشی در آیات متشابه قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی / کیوان خجسته‌مهر ۱۱۵

۱- برای اینکه مردم به راسخان علم که اهل بیت (ع) هستند مراجعه کرده و به اعمال آنها اقتدا کنند و از اخلاق آنها بهره ببرند.

که ایشان این مورد را مستند به روایتی از امام علی (ع) می‌کند، و چون در روایت به این مطلب اشاره شده و با توجه به فضیلت و برتری اهل بیت (ع) - راسخان در علم - بر سایر مردم، این مورد قابل قبول می‌باشد.

۲- برای روشن شدن برتری علما بر سایر مردم.

که همان نقدی که قبلاً گفته شد بر آن وارد است.

۳- آزمایش و امتحان مردم و روشن شدن راستگویان در ایمان از دروغگویان.

(نهایندی، ۱۳۸۶: ۲۰/۱-۲۱)

این مورد شبیه نظر رشیدرضا است و همان نقد بر این مطلب نیز وارد است.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده چنین به دست می‌آید که وجود آیات متشابه در قرآن کریم منافاتی با هادی بودن آن ندارد، همچنین مکاتب باطل مثل جبریه، اهل تفویض و مروجان تعدد قرائات نمی‌توانند به آیات متشابه استناد بکنند؛ چرا که اولاً: باید آیات قرآن را در کنار هم دید و آیات متشابه را به آیات محکم قرآن برگرداند تا ابهام آنها برطرف گردد و به آیه‌ای محکم تبدیل شود، ثانیاً: طبق نظر آیت‌الله مصباح یزدی شاید حکمت وجود این آیات در قرآن این باشد که مردم به مفسران واقعی قرآن که ائمه معصوم (علیهم‌السلام) هستند مراجعه کرده و طبق حدیث تقلین با تمسک به قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) است که مسیر سعادت را پیدا کنند و اینکه در اسلام فرقه‌های متعددی به وجود آمده، به دلیل تفرقه انداختن بین این دو ثقل و تطبیق آیات قرآن بر

عقاید خود و مصادره کردن آنها به نفع خود است، از دیگر حکمت‌ها می‌توان به متعالی بودن معارف قرآن اشاره کرد که به سبب مأنوس شدن مردم با عالم ماده و محسوسات، در قالب الفاظی که مصادیق حسی و ماورائی دارد و برای مخاطب قابل فهم است بیان شده، همچنین می‌توان گفت گذشت زمان موجب شده قرآینی که برای مخاطبان اولیه قرآن روشن بوده، از ما مخفی شود در نتیجه اینگونه آیات متشابه شود. این تیمیه نیز آیات متشابه را دارای معنا می‌داند با این تفاوت که تفسیری که وی ارائه می‌دهد، سر از ظاهرگرایی در عمل و برخورد با آیات قرآن درمی‌آورد. نگارنده براین عقیده است که: تبعیت از ظاهرگرایی و کنار نهادن عقل الهام گرفته و در سایه وحی درست نمی‌باشد و عاقبتش جز تکفیر دیگران و ابطال در عقاید نیست.

\*\*\*\*\*

## کتابنامه

### قرآن کریم

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، (۱۳۸۳ق)، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، بیروت؛ المکتبه الاسلامیه.
- ابن بابویه قمی، محمدبن علی، (۱۴۰۵ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم: مؤسسه النشرالاسلامی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، (۱۴۰۷ق)، *زادالمسیر فی علم التفسیر*، بیروت المکتب الاسلامی.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، (بی‌تا)، *لسان العرب*، نشر بیروت.
- افراسیابی نهایندی، علی، (۱۳۷۳ش)، *فروغی از قرآن*، قم، ناشر: انتشارات سینا (منطق)، چاپ اول.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳ش)، *قرآن در قرآن*، قم، مرکز نشر: اسراء.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۴ش)، *تفسیر تسنیم*، قم، نشر اسراء.
- رازی، جمال‌الدین شیخ ابوالفتوح، (بی‌تا)، *تفسیر روح الجنان*، تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، علی اکبرغفاری، تهران، انتشارات کتابفروشی الاسلامیه.

پژوهشی در آیات متشابه قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی / کیوان خجسته‌مهر ۱۱۷

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۳ش)، مفردات فی غریب القرآن، ترجمه؛ غلامرضا

خسروی حسینی، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، چاپ چهارم.

رکنی یزدی، محمدمهدی، (۱۳۷۹ش)، آشنایی با علوم قرآنی، تهران، سازمان مطالعات و تدوین

کتاب علوم انسانی دانشگاه (سمت).

رشیدرضا، محمد، (بی‌تا)، تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه.

زمخشری، محمود بن عمر، (بی‌تا)، تفسیر الکشاف، بی‌جا.

سیوطی، جلال‌الدین، (۱۳۶۳ش)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، ناشر: دارالکتاب العربی.

حیدری، کمال، (۱۳۹۱ش)، التوحید عندالشیخ ابن تیمیه، تهران، مشعر.

طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۶۱ش)، تفسیر المیزان، نشر بنیاد علمی و فکری علامه

طباطبایی، با همکاری نشر فرهنگ رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۹ق)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.

طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، مجمع‌البحرین و مطلع‌النیرین، تحقیق؛ احمدحسینی، تهران،

مرتضوی، چاپ سوم.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج، تعلیق سیدمحمدباقر خراسان، تهران، بهشت جاوید.

طیب، سیدعبدالحسین، (۱۳۷۸ش)، اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.

عیاشی، محمد بن مسعود، (بی‌تا)، تفسیر العیاشی، قم مؤسسه بعثت.

طوسی، محمد بن حسن بن علی بن حسن، (بی‌تا)، تفسیر تبیان، بیروت، ناشر دار احیاء التراث

العربی، چاپ اول.

فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۳ق)، تفسیر کبیر، بیروت دارالفکر.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۸ق)، کتاب‌العین، تحقیق؛ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی،

بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.

فیومی، احمد بن محمد، (۱۳۹۷ق)، المصباح‌المنیر فی غریب‌الشرح‌الکبیر للرافعی، قاهره،

دارالمعارف، چاپ دوم.

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۲ش)، تعدد قرائت‌ها، تحقیق و نگارش غلامعلی عزیزی‌کیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ الف)، قرآن‌شناسی، تحقیق و نگارش محمود رجبی، ویرایش

حمید آریان، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ ششم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ ب)، قرآن‌شناسی، تحقیق و نگارش غلامعلی عزیزی‌کیا، قم،

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ ششم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۱ش)، نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و نگارش: محمدمهدی

کریمی‌نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) چاپ پنجم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۹ش)، قرآن در آیین نهج‌البلاغه، تدوین و نگارش: محمد

محمدی، قم، انتشارات: مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ اول.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴ش)، اخلاق در قرآن، تحقیق: محمدهسین اسکندری، قم،

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.

مجلسی، محمدباقر، (۱۰۴۳ق)، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

مصطفوی، علامه سیدحسن، (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن، ناشر: بنگاه، تهران.

معرفت، محمدهادی، (بی‌تا)، التمهیدی علوم القرآن، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الاسلامی.

معارف، مجید، (۱۳۸۳ش)، مباحثی در تاریخ علوم قرآنی، تهران؛ نبأ.

مغنیه، محمدجواد، (بی‌تا)، التفسیر الکاشف، چاپ اول، بیروت.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۳ش)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه.

نهادندی، محمد، (۱۳۸۶)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثت.

#### مقالات:

رجبی، ابوزر و احتشامی‌کیا، حمید، (۱۳۹۸ش)، بررسی متشابهات در قرآن و شبهات

معناشناختی آن از منظر ابن تیمیه، نشریه علمی اندیشه نوین دینی، قم، سال ۱۵،

صص ۵۷-۷۰.

پژوهشی در آیات متشابه قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی / کیوان خجسته‌مهر ۱۱۹

ملکی، یدالله، (۱۳۸۳ش)، آیات متشابه در قرآن کریم، صحیفه مبین، دوره دوم، شماره ۲۲، صص ۱۱۳-۱۲۶.

ناصح، علی‌احمد، (۱۳۹۲ش)، بررسی و نقدمبانی و اصول فکری ابن تیمیه در تفسیر قرآن، پژوهش‌های فلسفی و کلامی، قم، صص ۱۶۷-۱۸۸.

## Bibliography

The Holy Quran

Ibn -Athir, Mubarak ibn Mohammad, (1383 AH), al -Na'i fi Gharib al -Hadith and al -Asr, Beirut al-Maktab al-Islami.

Ibn Babuyeh Qomi, Muhammad Ibn Ali, (1405 AH), Kamaluddin and All -Na'mah, Qom: Al -Nusra al -Islami Institute.

Ibn Jawzi, Abu al -Faraj Abdul Rahman ibn Ali, (1407AH), Zadal al-Masir fi ilm al-tafsir, Beirut al-Maktab al-Islami.

Ibn al -Manzur, Mohammad Ibn Mokarram, (WD), Lesan al -Arab, Beirut Publishing.

Afrasiabi Nahavandi, Ali, (1373SH), Foroughi al Quran, Qom, Publisher: Sina Publications (Logic), First Edition.

Javadi Amoli, Abdullah, (1383SH), Quran dar Quran, Qom, Publishing Center: Isra.

Javadi Amoli, Abdullah, (1394SH), Tasnim Tafsir, Qom, Israel Publishing.

Razi, Jamaluddin Sheikh Abul Fattouh, (WD), Tafsir Ruh al -Janan, Mirza Abolhassan Sha'rani, Ali Akbarghafari, Tehran, Al -Islamiyah Bookstore Publications.

Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad, (1383SH), mofadadt fi gharibe al Quran, Translated by Gholamreza Khosravi Hosseini, Tehran, al -Maktabah al -Mortazyeh Lahriyah, Fourth Edition.

Rokni Yazdi, Mohammad Mehdi, (1379SH), Ashnaeeiveri ba olome Qur'ani Humanities Studies and Editing.

Rashid Reza, Mohammad, Tafsir al -Menar, Beirut, Dar al -Ma'ar.

Zamakhshari, Mohmoud ibn Omar, (WD), Tafsir.

Siyoti, Jalaluddin, (1363SH), Al -Qur'anic Science, Beirut, Publisher: Dar al -Kutab al -Arabi.

Heidari, Kamal, (1391SH), Al -Tawhid enda alsheikh Ibn Taymiyyah, Tehran, Mashar.

Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1361SH), Al -Mizan fi Tafsir al Quran, Allameh Tabataba'i Scientific and Intellectual Publishing, in collaboration with Raja Culture Publishing and Amir Kabir Publications Institute, Second Edition.

Tabarsi, Fazl ibn Hassan, Tafsir Jama'e Javameh, (WD), Tehran, University of Tehran.

- Toreihi, Fakhreddin, (1375SH), Majma Al -Bahrain wa madla Al -Naeehriin, Research; Ahmad Hosseini, Tehran, Mortazavi, Third Edition.
- Tabarsi, Ahmad ibn Ali, (1386 AH), Al -ehtejaj, Suspension of Seyyed Mohammad Baghirkan, Tehran, Paradise Javid.
- Tayyeb, Seyyed Abdul Hossein, (1378SH), Atiab al -Bayyan fi Tafsir al -Qur'an, Tehran, Islam Publications.
- Ayashi, Mohammad ibn Masoud, (WD), Tafsir al - Ayashi, Qom Institute of Ba'ath.
- Tusi, Mohammad ib Hassan ibn Ali ibn Hassani, Tafsir Tebian, Beirut, Al -Arabi Revival Publisher, First Edition.
- Fakhr razi, Mohammad ibn Omar, (1423 AH), Tafsire Kabir, Beirut Dar al -Fakr.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad, (1408 AH), Al -Ain, Research; Mehdi Makhzumi and Mehdi Makarem Semraei, Beirut, Al -Alam Institute of Press, First Edition.
- Fauumi, Ahmad ibn Mohammed, (1397 AH), al -Mesbah al -Munir fi Gharib al -Sharh al -Kabir al -Larrafi, Cairo, Dar al -Araf, Second Edition.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1382 SH), taddode geraatha, Gholam Ali Azizi Kia, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, Fourth Edition.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1394 SH), Quran shenasi, Research and Writing Mahmoud Rajabi, Edit Hamid Arian, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, Sixth Edition.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1394 SH), Quran shenasi, Research and Writing Gholam Ali Azizi Kia, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, Sixth Edition.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1391 SH), nazariyeh hoghoghi islam, Research and Research: Mohammad Mehdi Karimi Nia, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (1379 SH), Quran dar aeeineh Nahj al -Balagha, Editing and Writing: Mohammad Mohammadi, Qom, Publications: Imam Khomeini Institute, First Edition.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1384 SH), akhlagh dar Qur'an, Research; Mohammad Hossein Eskandari, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute, First Edition.
- Majlesi, Mohammad Bagher, (1043 AH), Bahar al -Anwar, Beirut, Dar al -Hayat al -Arabi.
- Mostafavi, Allameh Seyed Hassan, (1360 SH), Al tahghigh fi kalamate al -Qur'an, Publisher: Tehran, Tehran.
- Marefat, Mohammad Mahdi, (WD), al -Tahmid fi olomal -Qur'an, Research and Excerpt.
- Maharif, Majid, (1383 SH), mabahesi dar tarikhe olomal -Qur'ani, Tehran.
- Moghnieh, Mohammad Javad, (WD), Al -Tafsir al -Kashf, First Edition, Beirut, Beta.
- Makarem Shirazi, Nasser, (1373 SH), tafsire asan, Dar al -Kutb al -Islamiyah.
- Nahavandi, Mohammad, (1386 SH), Al -Rahman al -Rahman fi Tafsir al -Qur'an, First Edition, Qom.

**Articles:**

Rajabi, Abu Dharr Wahdi Kia, Hamid, (1398 SH), Similarity of the Qur'an and its semantic contexts from the perspective of Ibn Taymiyyah, the scientific scientific of modern religious thought, Qom, year 15, 70-57.

Maleki, Yadullah, (1383 SH), similar verses in the Holy Quran, Sahifah Mobin, Volume 2, No. 22, pp. 113-126.

Nasseh, Ali Ahmad, (1392 SH), Ibn Taymiyyah's Investigation and Criticism in the Interpretation of the Qur'an, Philosophical Research of the Qur'an, Qom, pp. 167-188.

